

بازتاب زندگی علی (ع) و صفات بی بدیل ایشان در اشعار عربی معاصر

اثر: دکتر مصطفی شیروی خوزانی

عضو هیأت علمی دانشگاه قم

(از ص ۳۲۳ تا ۳۳۸)

چکیده:

حضرت علی (ع) شخصیتی است که منحصر به یک گروه یا عقیده و مرام خاصی نیست و از نخستین روزهای طلوع پر فروغ اسلام تا کنون شخصیت‌های بزرگی با گرایش‌های گوناگون مجذوب ابعاد شخصیت والای ایشان شده‌اند و هر یک به فراخور دانش، استعداد، گرایش و ذوق خویش در توصیف ایشان قلم زده‌اند.

این مقاله درباره میزان حضور علی (ع) در شعر معاصر عربی به نگارش در آمده است. دیوانهای اشعار و قصائد بسیاری مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و نمونه‌های گوناگونی از اشعار که در ارتباط با علی (ع) سروده شده تحت عناوین مختلف آورده شده است که تقریباً بیشتر جوانب زندگی علی (ع) را در بر می‌گیرد. نویسنده معتقد است که علی (ع) نه تنها در اشعار عربی معاصر مورد بی‌مهری قرار نگرفته، بلکه جوانب بیشتری از زندگی و صفات بی‌بدیل ایشان مورد توجه شاعران قرار گرفته است و سرایندهگان زیادی اعم از شیعه و سنی و مسیحی، از موهبت ممتاز ادبی خویش در بیان فضائل و مناقب حضرت استفاده نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: علی بن ابی طالب (ع)، شعر معاصر، پژواک غدیر، مقام علمی و ادبی، شعر عربی معاصر.

مقدمه:

ادیبان و شاعران معاصر عربی همچون شخصیت‌های بزرگ جهان در حد گرایش و ذوق و استعداد خویش در قصائد و اشعار خود تحت تأثیر ابعاد گوناگون شخصیت علی علیه السلام قرار گرفته و در این زمینه آثاری از خود بر جای گذاشته‌اند که برخی از ایشان در بیان ادبی و عاطفی آن شایستگی بیشتری از خود نشان داده‌اند. این شاعران، هم شیفته ویژگی‌های فردی حضرت و هم شیدای فضائل و ویژگی‌های اجتماعی ایشان بوده‌اند.

نویسنده برای بیان میزان تأثیر پذیری شاعران عرب زبان معاصر از شخصیت پر جاذبه علی علیه السلام و ارائه نمونه اشعارشان در یک مجموعه منظم، و تجزیه و تحلیل آنها، بیش از هفتصد دفتر و دیوان اشعار را مورد مطالعه و ملاحظه قرار داده و نمونه‌های اشعار زیادی را در این زمینه استخراج کرده تا با بیان فارسی این اشعار قدم ناچیزی، در راستای خدمت به زبان فارسی برداشته باشد. و دانشجویان و دوستداران زبان و ادبیات عربی و فارسی بتوانند از این پژوهش بهره‌ی فراوان برند و با دسترسی آسان بر منابع، هر یک از موضوعات مطرح شده را عنوان پژوهش جداگانه‌ای قرار دهند.

۲- زندگی علی علیه السلام در آینه‌ی ادبیات

۲- ۱ شرحی از زندگی علی علیه السلام از ولادت تا شهادت در محراب عبادت در

اشعار عربی معاصر

با مروری بر دیوانهای اشعار، ملاحظه می‌شود که شاعران حتی نسبت به حسب و نسب و تبار علی علیه السلام شعر سروده‌اند یکی از آنها می‌گوید: «آگاهی از تبار علی در گرو شناخت اصل و نسب نبی است، چرا که این دوپاره نور، دوشاخه از شجره طیبه سیادت و شرفند و هردو از برگزیدگان فرزندان اسماعیل و گل سر سبد قریش از خاندان هاشمند:

ونسبۃ المُرْتَضَى كالمُصْطَفَى وهُمَا فِي ذُرْوَةِ المَجْدِ فِي أَعْلَى أَعَالِيهَا
هَمَا خِيَارُ بَنِي إِسْمَاعِيلِ نَازِلِ أَر جَاءَ الحِجَازِ الأُولَى بِاتْوَامِوَالِيهَا»

(عبدالمسیح الأنطاکی، بی تا، ص ۱۴۲)

البته درباره پدر و مادر علی علیه السلام و ویژگیهای آنها نیز، شاعران اشعاری سروده اند که به دلیل رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری کردیم. (ر.ک به همان، ص ۴۳ و ۴۴ و به عبدالمنعم الفرطوسی، ۱۹۷۷م، ج ۱ ص ۱۴۴ تا ۱۵۱، و حسین الجامع بی تا، ص ۱۸)

۲-۱-۱ ولادت علی علیه السلام

درباره ولادت علی علیه السلام باید گفت که روشن است که هر کس را زادگاه و ولادتی است و چند صباحی وی را در پهنه گیتی اقامتی، ولی علی علیه السلام را نیز در این خصوص سعادت است که زادگاهش، بیت شرافت و خانه عبادت و قبله اهل حاجت است. لذا شاعری، نسیم دل انگیز و الهام بخش سپیده دم میلاد رادر ماه رجب استشمام می کند که از دیار قد است و پاکی می وزد، و روح و جان آدمی را حیاتی دوباره می بخشد چرا که فرخنده میلاد مرتضی از آن او و خجسته مبعث مصطفی به نام اوست. و همین است که چهره رجب را چنان تابناک ساخته است که زیبایی شبهای زمان، همه و مدار این شکوه و عظمت ماندگارند.

نَفْسُ الفَجْرِ أُمِ نَسِيمِ الخُرَامِي	أُمُّ هُوَ اللطْفُ يَبْعَثُ الإلهَامَا (۱)
نَفْحَاتٌ تَهَبُ مِنْ جَانِبِ القُدْسِ	فَتُحْيِي النَفُوسَ وَالإلهَامَا
عَظُمَتِ لَيْلَةٌ مِنَ الدهرِ جَاءَتْ	بِعَلِيٍّ لَتُنْعَشَ الإسلامَا (۲)
رَجَبَ الفَرْدِ جِئْتُ بِالْعَلَمِ الفَرْدِ	تَبْدُ الأَفْرَادَ وَالْأَعْلَامَا (۳)
بَيَّضَتْ أَوْجَةَ اللَيْلَى لِيَالِيكَ	وَسَادَتْ أَيْامُكَ الإيمَامَا

۱. گلی رنگارنگ و خوشبو، خیری دشتی. ۲. آنعش: ؤ؛ او را بلند کرد، از تنگد سنی بازداشت.

۳. بَدُّ: غلبه کرد، پیشی جست.

مَوْلِدَ الْمُرْتَضَى وَمَبْعُثُ طَه أَلْبَسَاكَ الْإِجْلَالَ وَالْإِعْظَامَا

(عباس شبر، ۱۹۷۸م، ص ۴۳)

می دانیم که سعادت ولادت درخانه کعبه موهبتی است که هرکس رانشاید و این جامه عزت زیننده هر تن نباید، و این امر در نظر همگان فضیلتی است که همتا و نظیر برایش در تصور نیاید:

شاعران زیادی درباره ولادت حضرت درخانه کعبه سروده‌های زیبایی دارند که در اینجا به ذکر دو نمونه آن اکتفا می‌کنیم.

لَمْ يَكُنْ فِي كَعْبَةِ الرَّحْمَانِ مَوْلُودٌ سِوَاهُ اذُّتَعَالَى فِي الْبَرِّ اِبْرَائِئِيلَ فِي عُلَاهُ

(علی الخاقانی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۶ ص ۴۳۶)

«محمد صادق بحر العلوم» در یک تعبیر ظریف گوید: «این کعبه است که باید برخویش بیالد و به پاس این افتخاری که نصیبش شده است بر خود بنازد، چرا که گوهر پربهای صدفش، زیننده تعالی هدفش می‌باشد.

فَهَلْ غَيْرُهُ بِالْبَيْتِ كَانَ وَلَاؤُهُ وَذَالِكَ فَضْلٌ فِي عَلِيٍّ لَهُ قَصْرُ
وَلَسْنَا نَرَى فِخْرًا بَذَاكَ لِحَيْدِرٍ بَلِ الْكَعْبَةُ الْعَلِيَاءُ حَلَّ بِهَا الْفَخْرُ
هَلِ الدَّرُّ بِالْأَصْدَافِ يَكْسِبُ مَفْخَرًا؟ أَمْ الْفَخْرُ لِلْأَصْدَافِ حَيْثُ بِهَا الدَّرُّ؟

(همان، ج ۹ ص ۲۱۹)

۲-۱-۲ نام علی عليه السلام

درباره نام علی عليه السلام نیز اشعار فراوانی سروده شده است که زیبایی خاصی دارد و ما در اینجا به دو نمونه آن اشاره می‌کنیم: شاعری داستان نامگذاری حضرت را این گونه بیان می‌کند که پس از تولد این ستاره درخشان هدایت، به پاس میلاد مبارکش شترها قربانی شد و سفره‌ها گسترده گشت و فقیران و تهیدستان از یمن قدمش طعمای فراوان نصیبشان شد. آنگاه ندایی از غیب به گوش رسید که نامش چیست؟ بی درنگ پیامبر صلى الله عليه وآله پاسخ داد: نامش علی است و این نام در آسمانها برگزیده شده است.

أشرقَ الفجرُ من كَوَى الظُّلَماءِ فاذا الكونُ رفقَةً من ضياءِ^(۱)

ينحرونَ الجزورَ فداءً عن الطِّفلِ طعامَ الضيوفِ والفُقراءِ
مَن ترى اسمه؟ فردَّد صوتٌ كصدى الغيبِ شيقَ الايحاءِ^(۲)
فاجابَ النبيُّ ذاكَ عليٌّ اسمه كالأثيرِ فى الأجواءِ^(۳)

(محمد سعيد الخنيزى، ۱۹۹۱ م ص ۱۲)

شاعر دیگری به مباحات کردن جبرئیل به نام علی علیه السلام اشاره می کند و می سراید:
انَّ جبريلاً تَباهى بِاسمِهِ وله رُدَّت من الغربِ ذُكاءِ

(محمود مهدى، ۱۹۷۸ م ص ۳۵)

برخی نیز کنیه و القاب علی علیه السلام را مورد توجه قرار داده و درباره آنها اشعار زیادی سروده اند و با اینکه کنیه مشهور حضرت ابو الحسن است «احمد الوائلى» زیباترین کنیه ایشان را ابو الحسن می داند و می سراید:

أبا الحُسينِ وتلك أروعُ كُنْيَةٍ وكلا كُما بالرائعاتِ قَمينِ^(۴)

(احمد الوائلى، ۱۹۹۳ م ص ۲۳)

شاعر دیگری به نام و لقب «حيدر» توجه بیشتری نشان داده و در این زمینه سروده است:

سَموكَ حيدرَةً وأنتَ أشدُّ مِن ليثِ الوغىِّ بالجزِّ فى الأعناقِ

(سعيد العسيلي، ۱۹۸۶ م ص ۱۲)

۲-۱-۳ آموزش و پرورش علی علیه السلام

آموزش و پرورش علی علیه السلام در دامن پر مهر و محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از

۱- الكَوَى: جمع الكَوْنة: روزنه، سوراخ. الرَّفقة: گروه همسفر.

۲- الشَّيقُ: آرزومند، مشتاق.

۳- الأثير: هوا، منبع ناقل برق، جوهر شمشیر، اتر.

۴- القَمين: شایسته، اهل

اموری است که همه بدان معترفند و «جعفرالنقدی» نیز در این زمینه سروده است:

رَبَّاهُ خَيْرُ الْوَرَى طِفْلاً فَهَلْ أَحَدٌ فِي الدَّهْرِ يُشْبِهُ مِنْ طَه مُرِّيَه

(علی الخاقانی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۲ ص ۷۸)

شاعر دیگری پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را عامل تغذیه روحی علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ برشمرده و

می‌گوید:

غَذَاكَ طَه مِنْ لِبَانِ صِفَاتِهِ فَغَدَّتْ عَلَيْكَ لِدَاتِهِ سِيمَاء

(محمود مهدی، ۱۹۷۸ م ص ۳۱)

۲-۱-۴ پیشگامی علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ در پذیرش اسلام

این عمل در آغاز پیدایش دین اسلام، عملی جسورانه و عاشقانه و فضیلتی جاودانه و ماندگار جلوه نموده است و در شعر معاصر عربی نیز مورد اشاره واقع شده است که در این باره «عبدالمنعم الفرطوسی» می‌گوید:

سَبَقَ الْمُسْلِمِينَ سَبْقًا بَعِيدًا لَمْ يَفْرُفِهِ سَائِرُ الْأَوْلِيَاءِ
أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ صِدْقًا فَهُوَ صَدِيقُ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ

(عبدالمنعم الفرطوسی، ۱۹۷۷ م ج ۱ ص ۱۳)

۲-۱-۵ پیوند برادری با پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

تعداد قابل ملاحظه‌ای از شاعران و به ویژه شاعران شیعه مذهب نسبت به این موضوع اهتمام خاصی نشان داده‌اند و حتی بسیاری از آنان این موضوع را یک امر مفروغ‌عنه دانسته و از آن به عنوان تکیه کلام خویش در جای جای دیوانهای خود استفاده نموده‌اند و حتی افزون بر پیوند برادری، آن دو را یک روح در دو کالبد دانسته‌اند که چند نمونه آن به شرح زیر است:

«سید حسین بحر العلوم» گوید: علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از یک صورت آفریده شده‌اند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همچون خورشیدی است که افق آن علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ است و خورشید در این افق جلوه‌گری می‌کند:

أَنْتَ مِنْ أَحْمَدَ فِي رَوْحَيْكُمَا صُورَةٌ أَبَدَاعَهَا اللَّهُ سِوَاء

أحمدُ كالشمس لكن أفقها أنتَ والشمسُ من الأفقِ تراءى

(علی الخاقانی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ج ۳ ص ۲۳۲)

شاعر دیگری، علی علیه السلام را روح و جان رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته و سروده است:

فأنتَ نفسُ رسولِ اللهِ و هو بلا مراءِ أئمنُ مخلوقٍ و موجود

(احمد الرانلی، ۱۹۹۳ م ص ۷۵)

«عبود احمد النجفی» نیز علی علیه السلام را در حقیقت امتداد نفس پیامبر صلی الله علیه و آله بر

شمرده می گوید:

علیٌّ فی الحقیقة امتدادٌ لنفسِ المصطفی و هو النجیُّ

(حسین الشاکری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ج ۵ ص ۳۵۵)

۲-۱-۶ ازدواج علی علیه السلام و همسر و فرزندان ایشان

برگزیدن همسر، یک سنت نیک و شایسته است و تحویل فرزندان نمونه فضیلتی است در خور ستایش و این دورا علی علیه السلام باهم دارد. حضرت باید همسری برگزیند که در شأن او باشد و فاطمه (س) باید شوهری انتخاب کند که جز علی علیه السلام همشأنش نباشد. «محمود مهدی» همین مضمون را در قالب شعر ریخته و سروده است:

وأفاض اذأولاك أنصع درةً
وكذاك يكفيك اعتزازاً أنها
يكفيك فخرأنتها الزهراء
لولاك لم يوجدها أكفاء

(محمود مهدی ۱۹۷۸ م ص ۳۱)

همین شاعر با توجه به مضمون حدیثی از بحار الانوار در جای دیگری از دیوانش

این پیوند راناشی از دستور خداوند بر شمرده است:

قیرانٌ لم یکنْ فیهِ اختیارٌ
سوی لله تکریماً و جاها

(همان، ص ۲۰)

«سعید العسلی» هم، شجاعت و مردانگی، و شهامت و آزادگی فرزندان علی علیه السلام

را تربیت در دامن حضرت قلمداد نموده و می گوید:

ناهیک تربیه الامام المُرْتَضی تَرکَت بطایعها به آثارا

(سعید العسلی، ۱۹۸۶ م ص ۱۲)

۲-۱-۷ فداکاری علی علیه السلام در میدانهای نبرد

جهاد خالصانه همراه با علم و معرفت و فداکاری بی باکانه همزمان با بردباری و شکیبایی برای دستیابی به آرمانهای دلپسند و خداپسند، یکی از نشانه‌های اهتمام راستین انسان به باورهای خویش است که نمونه بارز آن علی علیه السلام می باشد. او در تمامی نبردها با میل و رغبت شرکت می جوید و با رفتار خویش چهره مجسم اسلام را با ابعاد گوناگونش به تصویر می کشد. در این زمینه شاعران از قافله عقب نمانده و اشعار بیشماری درباره هریک از نبردهای علی علیه السلام سروده اند که برای رعایت اختصار فقط نمونه ای از آن ذکر می شود.

«بولس سلامة» شاعر مسیحی معتقد است که هنوز پس از گذشت سالهای زیاد، یاد ضربه علی در نبرد خندق زنده و پاینده است، چراکه این ضربه لرزه بر پیکر خسروان ایران و قیصران روم انداخت و ساریانها و شترداران یاد آن رادستمایه خدای خویش ساختند و برای آن ترانه ها سرودند.

ضَرْبَةُ ذِكْرَهَا يَطَّلُ فِتْيَانًا بَعْدَ مَوْتِ الزَّمَانِ بَعْدَ فَنَائِهِ
هَابَهَا الضَّيْعَمَانُ كَسْرِي وَ رُومًا وَ تَعَنَّى الْحَادِي بِهَا فِى حُدَائِهِ

(بولس سلامة، ۱۹۸۶ م ص ۸۲)

۲-۱-۸ معرفی علی علیه السلام از جانب پیامبر اکرم صلوات الله عليه

یکی از مسائل مهمی که اشعار فراوانی پیرامون آن سروده شده است مسأله جانشینی علی علیه السلام و معرفی ایشان از سوی پیامبر اکرم صلوات الله عليه برای عهده دار شدن خلافت است که نمونه ای از آن در بخش پژوهش پژواک غدیر ذکر شده است.

۲-۱-۹ بازتاب حوادث زندگی علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلوات الله عليه تا شهادت شاعران در بیان این حوادث از پیدایش سقیفه و چگونگی تشکیل آن و سکوت بیست ساله علی علیه السلام و پذیرش حکومت پس از قتل عثمان و در نهایت، شهادت در

محراب عبادت، شعرها سروده و قصیده‌ها به نظم کشیده‌اند که سوزناک‌ترین و عاطفی‌ترین آن‌ها در بیان شهادت حضرت در محراب عبادت و غصب خلافت است که یک نمونه آن در سروده‌های «محمد جمال الهاشمی» در وصف شامگاه فاجعه چنین آمده است: «قلم از وصف این شب ناتوان است. ای شب! چه پنهان کرده‌ای؟ رویت چرا این‌گونه رنجور است و نالان؟ که ناگاه داد و فریادی بلند می‌شود و محراب عبادت در میان خون شناور می‌گردد.

أَيُّهَا اللَّيْلُ الَّذِي أَوْ صَافَةٌ فَوْقَ مَا يَرِ سِمٌ مِّنَّا الْقَلَمُ
 مَا الَّذِي تُخْفِيهِ يَا لَيْلٌ فَنَفِي وَجِهَكَ الْكَالِحَ رَعْبٌ مَوْلَمٌ
 وَإِذَا الصَّرْحَةُ تَعْلُو بَغْتَةً وَإِذَا الْمَحْرَابُ يَغْشَاهُ دَمٌ

(محمد جمال الهاشمی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ص ۱۰۸)

۳- تصویر علی عليه السلام در شعر عربی معاصر

۳-۱ انعکاس مقام علمی و ادبی علی عليه السلام

در اشعار عربی معاصر سروده‌های بسیاری یافت می‌شود که بر دانش و بلاغت علی عليه السلام تأکید می‌ورزد. «عباس شبر» شاعر عراقی خطاب به حضرت می‌گوید: «تو مدخل شهر دانش و علمی بودی که دریا در برابر قطره‌ای از آن، ناچیز جلوه نمود.

وَكُنْتَ لَهُ بَابًا وَكَانَ مَدِينَةً تُحِيطُ بِعِلْمٍ دُونَ شَوْ بُوْبِهِ الْبَحْرُ»

(عباس شبر، ۱۹۷۸ م ص ۱۰۷)

«حسن ابو الرحمی» شاعر خوش ذوق سعودی نیز حضرت محمد صلی الله علیه و آله را سرچشمه هزاربابت دانش علی عليه السلام برشمرده که هریاب آن، پهنه گسترده‌ای از دریای علم است که خداوند از منبع فیض و حکمتش به او بخشیده است:

وَرَّثَ الْعِلْمَ عَنْهُ فِي أَلْفِ بَابٍ كُلُّ بَابٍ تَخَالَهُ لُجْبًا
 حَبَابُهُ الْإِلَهِ مِنْ مَنبَعِ الْحِكْمِ سَمَةٌ فَيضاً مَبَارِكاً قُدْسِيًّا

(حسین الشاکری، ۱۴۱۸ هـ.ق، ج ۵ ص ۳۵۰)

«پشارکامل الزین» حضرت را تمامی بلاغت دانسته و سرآمد قهرمانان برشمرده

و می گوید:

هذا علیّ و البلاغة كلّها وأبو البطولة طاهر الميثاق

(بشار کامل الزین، ۱۹۹۲م ص ۱۳۹)

همین شاعر در قصیده دیگری می گوید: «از زبان علی علیه السلام چشمه فصاحتی می جوشد که هرگز خشک شدنی نیست .

ومن لسان علیّ للبیان جرى دفقّ الفصاحة ينبوعاً و ما نضباً»

(همان ص ۱۹۹م)

«یوسف ابو زرق» نیز پس از بیان فصاحت و بلاغت علی علیه السلام و توصیف نهج البلاغه حضرت، آن را کتابی دانسته که نتیجه نبوغ علی علیه السلام است و تمامی نوشته ها و قلم ها مات و مبهوت اویند:

نهج البلاغة سفرٌ من نبوغك يا من أذهل الناس والاقلام و الكتب

یوسف ابوزرق ۱۹۹۲م ص ۱۳۶)

۲-۳ انعکاس فضایل و سجایای اخلاقی علی علیه السلام

بسیاری از شاعران معاصر عرب، معتقدند که فضائل حضرت توصیف ناپذیر است. این دسته از شاعران از نظر موسیقی کلام و زیبایی اسلوب و بیان احساس و عواطف، سروده هایشان دلنشین تر به نظر می رسد. «سید باقر هندی» در این زمینه خطاب به علی علیه السلام می گوید: «کنه ذات تو را جز خدا شناسد. هم ممکن و هم واجب، هم قدیمی و هم حادث، نه ضدی داری و نه مانند، با این که معنای تو روشن تر از خورشید است ولی عارفان در بیان سرگردان و حیرانند:

ليس يدري بكنه ذاتك ماهو يا ابن عم النبي الأهو

ممكن واجب، حديث قديم عنك تنفي الاضداد والاشباه

لك معنى أجلي من الشمس لكن خبط العارفون فيه و تا هوا

(السید باقرالهندی ۱۴۱۴هـ ق ص ۱۶)

«عبدالحسین الحویزی» نیز معتقد است که حضرت در میان خلائق یگانه است

و تمامی صفاتش منحصر به فرد است:

یا واحداً بین الخلائقِ ما لهُ فی کلِّ منقبةٍ أعدتْ ثانی

(عبدالحسین الحویزی ۱۹۶۴م ص ۱۱۵)

شاعران بسیاری در بیان فضائل علی علیه السلام به ویژگی زهد و تقوای حضرت توجه شایانی نمودند که از جمله آنها «مدین الموسوی» است که در این باره می گوید: «دنیا خود را آراست تار فاه و خوش گذرانیش را نشانت دهد و از برابر چشمانت سرخوش و سر حال گذشت و آن چه در وجود خود داشت به پایت ریخت تا از پستانش بدوشی و برگرده اش سوار شوی، اما تو طلاقش گفتمی و زیور و آرایشش طعمه نزدیکت نشد.

تَجَمَّلَتِ الدنیا تُریکَ نَعیمَها ومَرَّت علی عَینیکَ یا نِعةً خُصراً^(۱)
وأرخت علی کفیکَ وإفر دَرَّها لتَحلیها ضرعاً و ترکبها ظهراً
فطلقتها لم تسدنها منک زینةً تجملها البیضا و تفتتها الصّفرا

(مدین الموسوی ۱۹۸۷م ص ۸۵)

همین شاعر در فضیلت جود و بخشش علی علیه السلام می گوید: «ای پادشاه جود و کرم! در بزرگواریت همین بس که بخشش و کرم، شکوه دست بخشایشگر تو را می ستاید.

یا امیرالندی وحسبک مجدداً أن یكون الندی لکفک مجدداً

(همان، ص ۷۵)

در بیان شجاعت علی علیه السلام و دلیر مردی ایشان نیز اشعار جالب توجهی در دیوانهای معاصر یافت می شود که شاعری در این زمینه سروده است:

شُجاعٌ وهل جاء الزمانُ بمثلِهِ تلاً آدمأً أو جاء من قبلِ آدم؟

(علی حمدان الریاحی ۱۹۷۸م ص ۲۸۲)

۱- تجمّل: آرایش کرد. التّعیم: رفاه، خوشگذرانی، خیر و برکت. البیانع: میوه رسیده.

«شیخ ناصیف الیازجی» شاعر لبنانی هم درستایش شجاعت ممدوح خود، شأن او را همچون شأن علی علیه السلام می داند که با ذکر نام اوترس و وحشت انسان از هر چیزی شکسته می شود:

مُحَمَّدِيٌّ عَلِيٌّ شَأْنُهُ كُسِرَتْ طَوَارِقُ الرُّوعِ بِاسْمِ مِنْهُ يَأْتِيهَا

(شیخ ناصیف الیازجی، بی تا ص ۶۶)

گروهی از شاعران نیز ویژگی صداقت و قداست حضرت را مورد توجه قرار داده اند که نمونه ای از آن در شعر «بشارکامل الزین» آمده که علی علیه السلام را امیر مؤمنان و پیشوای صادقان دانسته و سروده است:

وَأَمِيرُ كُلِّ الْمُؤْمِنِينَ وَبَدْرُهُمْ وَأَبْوَالِئِمَّةٍ مُرْشِدُونَ دَائِي
هُوَ ذَاكَ الْعَلَمُ الْمُفَدَّى وَالتَّقَى وَامَامٌ صَدَقَ بِالْهُدَى الْوَصَاءِ

(بشارکامل الزین ۱۹۹۲م ص ۱۷۷)

برخی نیز به فضیلت مجد و عزت علی علیه السلام تکیه نموده و حتی بعضی از آنها تا جایی پیش رفته اند که مجد و عزت را تنها منتسب به علی علیه السلام دانسته اند و بس:

الْيَكَا لَا لِسَوَاكَ الْمَجْدُ يُنْتَسَبُ وَفِي عُغْلَاكَ يَتِيهِ الْمِقْوَلُ الذَّرْبُ

(محمدحسین الفقیه ۱۹۸۵م ص ۷۰)

«فخرالدین الحیدری» نیز علی علیه السلام را نورهدایت و چراغ همیشه فروزانی دانسته که جز او همه تاریکی و ظلمت است:

أَنْتَ نُوْرٌ وَمَا سِوَاكَ ظِلَاْمٌ وَسِرَاجٌ وَقَدْ أَبَيْتَ الْأَفْوَلَا
وَهَدَيْتَ الْعُقُوْلَ شَرْقًا وَغَرْبًا تَسْبَغِي لِلوَرَى طَرِيْقًا ذُلُوْلَا

(حسین الشاکری ۱۴۱۸هـ ق ج ۵ ص ۳۱۷)

۳-۳ انعکاس ویژگیهای سیاسی - اجتماعی علی علیه السلام

شاعران معاصر در این زمینه نسبت به شیوه حکومتداری علی علیه السلام و کیفیت دستگیری از محرومان و یتیمان و بیچارگان و اجرای عدالت همه جانبه در جامعه و حمایت از حق و حقیقت و تأمین سعادت دنیا و آخرت مردم، اشعار فراوانی

سروده‌اند که در اینجا به ذکر نمونه‌ای اکتفای کنیم:

«علی عبدالله الفرج» شاعر سعودی در این باره گوید: «تپش قلب تو حیات زندگی است. و حروف یادت صلوات هدایت و بالندگی است. هرگاه زندگی سر بر آستانت ساید، سرود بیداری سر دهد و گوید: اکنون نسیم زندگانی بر من دمید:

نَبَضَاتٌ قَلْبِكَ لِلْحَيَاةِ حَيَاةٌ وَحُرُوفٌ ذِكْرِكَ لِلهُدَى صَلَوَاتٌ
سَجَدَتْ لَكَ الْأَيَّامُ تَنْفُضُ جَفْنَهَا وَتَقُولُ: قَدْ تُفَحِّتُ عَلَيَّ حَيَاةً»

(علی عبدالله الفرج ۱۹۹۶م ص ۱۳)

۳-۴ انعکاس سیمای ملکوتی علی عليه السلام

در این زمینه شاعران بسیاری، علی عليه السلام را مظهر جلال و جمال حق، روح پرستنده، ساقی کوثر، قسیم بهشت و دوزخ، شفیع روز محشر و مظهر اعجاز و کرامت بر شمرده‌اند و اشعار فراوانی درباره هر یک از موضوعات یاد شده سروده‌اند که به ذکر نمونه‌ای بسنده می‌کنیم:

«محمد حسین اصفهانی» حضرت را چراغ روشنی بخش حضرت احدیت و آموزنده اسماء و صفات حق دانسته که در کف با کفایتش کلید پیروزی و در دست توانمندش زمام سرنوشت و منبع فیض ازلی است؛ چراکه یدالله است و قدرتش همان قدرت خداوندی.

مصباح نور الأحدي الذاتِ معلّم الأسماءِ والصفاتِ
في كفه الكافي مفاتيح الظفر لا بئيل مقاليد القضاء والقدر
في يده زمام فيض الأزلِ اذ يده العُليا يدُ الله العليّ

(محمد حسین اصفهانی ۱۹۸۲م ص ۲۶)

۳-۵ پژواک غدیر در اشعار عربی معاصر

با مروری بر دیوانهای سراینندگان معاصر عرب، ملاحظه می‌شود که بسیاری از این شاعران نسبت به بزرگداشت یاد غدیر و به نظم کشیدن ماجرای آن نغمه سرایی نموده‌اند و اشعاری در پذیرش ولایت حضرت و برگزیدن راه او و تأکید بر

محبت و دوستی ایشان، سروده‌اند که ذکر دو نمونه از آنها پایان بخش این مقاله است.

«محمد حسین اصفهانی» گوید: «دل‌های شیعیان با یاد غدیر، سرزنده و با نشاط می‌گردد؛ چراکه خداوند در این روز شریعت خود را زنده و پاینده کرد:

بُشْرَى لِمَنْ يَرَى الْغَدِيرَ عَيْدَا لَهُ الْهَنَاءُ، عَاشَ بِه سَعِيدَا
يَوْمَ بِه تَحِيَّ قَلُوبُ الشَّيْعَةِ فَاللَّهُ قَدْ أَحْيَى بِه الشَّرِيعَةَ

(همان، ص ۲۹)

«عبدالمهدی مطر» نیز از یاد غدیر به وجد آمده و می‌پرسد: «آیا این همه درخشش و روشنی از غدیر توست؟ و این همه بوی دل‌انگیز از عطر خوش عبیر توست؟ روزت از شادی بر خویشان می‌بالد؛ چراکه سرشار از صفا و زیبایی و برکت است. روزی است که آسمان تاج بیعت بر سرت نهاد و جبرئیل رازدار آن شد و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مبلغ آن گشت و دل‌های مؤمنان پذیرای آن شد:

أَعْلَى غَدِيرِكَ هَذِهِ اللَّمَعَاتُ أَمْ مِنْ عَبِيرِكَ هَذِهِ النَّفْحَاتُ
يَهْتَرُ يَوْمَكَ وَهُوَ يَوْمٌ حَافِلٌ بِالرَّائِعَاتِ تَحَفُّهَا الْبَرَكَاتُ
يَوْمٌ تَتَوَجَّحُ السَّمَاءُ بِبَيْعَةِ عَصْمَاءَ لَمْ تَعَبَتْ بِهَا الْفَلَاتُ
جَبْرِئِيلُ يَحْمِلُ سَرَّهَا وَمُحَمَّدٌ كَانَ الْمُبْلَغَ وَالْقَلُوبَ دُعَاةً

(حسین الشاکری ۱۴۷۱ هـ ق ج ۵ ص ۳۱۷)

نتیجه

باتوجه به موارد یادشده، نکاتی را به عنوان بخشی از نتایج این مقاله یادآور می‌شویم:

الف - شاعران معاصر عرب از پیش از ولادت علی عَلَيْهِ السَّلَام تا پس از شهادت ایشان در بسیاری از جوانب زندگی حضرت شعر سروده‌اند که برخی از آنها مانند «عبدالمسیح انطاکی» و «بولس سلامه» با اینکه مسیحی هستند، دیوان کاملی در بیان زندگی حضرت از خود بر جای گذاشته‌اند. برخی از شاعران شیعه نیز مانند

«عبدالمنعم فرطوسی» اشعار فراوانی در این زمینه سروده اند. و اشعاری که در بیان غضب خلافت و فاجعه قتل و شهادت ایشان سروده شده است از عاطفه و احساس بیشتری برخوردار است. اما شاعران اهل سنت بیشتر به هنگام تناسب موضوعشان به ویژگیهای حضرت اشاره نموده و آنها را مورد تمجید و ستایش قرار داده‌اند.

ب - فضائل و مناقب حضرت به شیوه‌های گوناگون مورد مدح و ستایش قرار گرفته و شاعری را نیافتیم که در مذمت ایشان شعری سروده باشد.

ج - بسیاری از سراینندگان عرب، غدیر را دستمایه اشعار خود قرار داده‌اند و غدیره‌های زیادی سروده‌اند که حاکی از بیان داستان غدیر و ولایت و محبت به علی علیه السلام می‌باشد.

منابع:

- ۱- عبدالمسیح الأنطاکی؛ ملحمة الامام علی؛ الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الأعلمی، بی تا.
- ۲- عباس شبر؛ الموشور؛ الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۹۷۸ م.
- ۳- علی الخاقانی؛ شعراء الغری؛ ج ۶ الطبعة الأولى، قم: مكتبة المرعشی، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۴- محمد سعید الخنیزی؛ أضواء من الشمس؛ الطبعة الأولى، بی جا، ۱۹۹۱ م.
- ۵- محمود مهدی؛ نفحات عطرة؛ الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۹۷۸ م.
- ۶- أحمد الوائلی؛ ایقاع الفكر؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالصفوة، ۱۹۹۳ م.
- ۷- سعید العسیلی؛ کربلا، ملحمة ادبیه، تاریخة اسلامیة؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالزهراء، ۱۹۸۶ م.
- ۸- حسین الشاکری؛ علی فی الكتاب والسنة والأدب؛ ج ۵ الطبعة الأولى، قم: مطبعة ستاره، ۱۴۱۸ هـ.ق.
- ۹- بولس سلامة؛ عیدالغدیر؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالكتاب اللبنانی، ۱۹۸۶ م.
- ۱۰- محمد جمال الهاشمی؛ دیوان مع النبی وآله؛ الطبعة الأولى، ایران: مطبعة سپهر، ۱۴۰۶ هـ.ق.
- ۱۱- بشار کامل الزین؛ دیوان مشاعل النور؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالكتاب العالمی، ۱۹۹۲ م.
- ۱۲- یوسف ابوزرق؛ دیوان؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالجيل، ۱۹۹۲ م.

- ۱۳- السيد باقر الهندي؛ ديوان؛ الطبعة الأولى، ايران: انتشارات الامام الهادي، ۱۴۱۴ هـ.ق .
- ۱۴- عبدالحسين الحويزي؛ ديوان؛ الطبعة الأولى، بيروت: منشورات دارمكتبة الحياة، ۱۹۶۴ م.
- ۱۵- مدين الموسوي؛ ديوان أوراق الزمن الغالب؛ الطبعة الأولى، بيروت: دارالزهراء، ۱۹۸۷ م.
- ۱۶- علي حمدان الرياحي؛ الشعر الحلال، محمد وآل؛ الطبعة الأولى، بيروت: دارالزهراء، ۱۹۷۸ م.
- ۱۷- شيخ ناصيف اليازجي؛ ديوان؛ الطبعة الأولى، بيروت: مؤسسة الاعلمي، بي.تا.
- ۱۸- محمد حسين الفقيه؛ قذائف وورد؛ الطبعة الأولى، بي.جا، ۱۹۸۵ م.
- ۱۹- علي عبدالله الفرج؛ أصداء النغم المسافر؛ الطبعة الأولى، بيروت: منشورات مؤسسة الهداية، ۱۹۹۶ م.
- ۲۰- محمد حسين الاصفهاني؛ الأنوار القدسية؛ الطبعة الأولى، بيروت: مؤسسة الوفاء، ۱۹۸۲ م.